

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۴ • ۴ صفر ۱۴۴۷ • ۲۹ جولای ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۶۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۱ • اذان صبح فردا ۳:۳۲ • طلوع آفتاب ۵:۱۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

افشاگری زیر تیغ قانون



قادر باستانی‌تبریزی*

بازرسی که در مجموعه متبوعش فسادِ رخ دهد و او آن را گزارش نکرده باشد، با خود او برخورد خواهد شد. رسانه نیز به نمایندگی از مردم، وظیفه نظارت بر نهاد قدرت را بر عهده دارد و در قبال تعلل در افشاکری فساد باید مواخذه شود. قانون هم باید حامی رسانه باشد تا بتواند با فساد مبارزه کند؛ وگرنه مگر ما برای برخورد با خبر دروغ، قانون کم داریم؟ مثل روز روشن است که تصویب چنین لایحه‌ای، بیش از گذشته افشاگران آزاده و شجاع را تحت فشار قرار خواهد داد. ما به‌جای آنکه در پی حمایت از روزنامه‌نگاران فسادستیز باشیم، باز هم می‌خواهیم زنجیر دیگری بر پایشان ببندیم تا حتی جرئت فکرکردن به افشای فساد به ذهن‌شان خطور نکند. اگر فرض را بر این بگذاریم که معاونت حقوقی دولت و تدوین‌کنندگان لایحه کاملا از تبعات آن آگاه بوده‌اند، باید گفت با تصمیمی آگاهانه، از اعتماد عمومی عبور کرده‌اند؛ هنری که کمتر دولتی در این حجم و با چنین سرعتی از خود بروز دارد است. و اگر ناگاه بوده‌اند و از پیامدهای محتمل آن بی‌خبر، این پرسش اساسی پیش می‌آید که کارشناسی، دقت حقوقی و مسئولیت‌پذیری دقیقاً در کجای فرایند تصمیم‌سازی جای داشته است؟ آیا طراحان آن در دولت و قوه قضائیه واقعا محاسبه کرده‌اند که این سازوکار چگونه و با چه منابعی قرار است اجرایی شود؟ فراتر از هزینه‌ها و زیرساخت‌ها، مسئله اصلی، هدف واقعی این لایحه است. برخلاف ظاهر ساده و عباراتی که مخاطب را به یاد نظم رسانه‌ای یا مقابله با شایعه می‌اندازد، لایحه بیشتر از آنکه به دنبال «صحت اطلاعات» باشد، در پی «کنترل اطلاعات» است. فلسفه حاکم بر آن، نه تقویت گردش آزاد اطلاعات، بلکه مهار آن است. تجربه‌های سال‌های اخیر به‌روشنی نشان می‌دهد که بسیاری از افشاکری‌های مؤثر – واگذاری‌های مسئله‌دار گرفته تا فسادهای اقتصادی و سیاسی – ابتدا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده،

گزارش خوانی

بررسی ضرورت گواهی سلامت روان برای رانندگی

امیدواری شده این شرط یعنی سلامت روان رانندگان، نقش مهمی در کاهش تصادفات جاده‌ای داشته و ایمنی تردد در جاده‌ها به طور درخور توجهی افزایش یابد، اما به نظر می‌رسد این شرط بتواند خیابان‌ها را نیز از لوث وجود رانندگانی نظیر قاتل الهه حسین‌نژاد پاک کند و امنیت بیشتری در خیابان‌ها نصیب زنان و فرزندان بشود.

ماجرای پیچیده بررسی روان

حالا پرسشش این است که چگونه می‌توان سلامت روان افراد را بررسی کرد؟ آیا فردی که درگیر افسردگی، اضطراب یا نوسانات خلقی است، می‌تواند ایمن براند؟ هاله شاهد، روان‌شناس، در این زمینه می‌نویسد: «در خیابان‌های شلوغ شهر، آنجا که تصمیمی در کسری از ثانیه می‌تواند مرز میان زندگی و مرگ باشد، کمتر کسی به روان پشت فرمان می‌اندیشد. همه‌چیز ظاهرا با مهارت فنی، تسلط بر کلاچ و فرمان یا دقت در آینه خلاصه می‌شود.
باین‌حال، پژوهش‌ها می‌گویند ماجرا پیچیده‌تر است؛ روان زخمی الزاما ناتوان نیست. اگرچه این موارد هشداردهنده‌اند، اما پاسخ درست، ممنوعیت کلی رانندگی برای افراد دارای اختلال روانی نیست.
مروری نظام‌مند بر بیش از ۵۰ مطالعه علمی (2017, Unsworth et al.) نشان داده است عملکرد رانندگی در این گروه‌ها بسیار متغیر است.»
او با بیان مثال می‌نویسد: «برخی مبتلایان به اختلال شخصیت یا اختلالات خلقی شدید، در معرض خطر بیشتر سوانح‌اند، اما افرادی با اسکیزوفرنی کنترل‌شده یا افسردگی خفیف، در صورت دریافت درمان مناسب، عملکردی نزدیک به جمعیت عمومی دارند. علاوه بر این، بسیاری از بیماران روان‌پریشی، بدون الزام قانونی، خودتنظیمی در رانندگی را پیش می‌گیرند؛ رانندگی را محدود با متوقف، مسیرهای ساده‌تر را انتخاب می‌کنند یا زمان‌های پرترافیک را کنار می‌گذارند.»
این روان‌شناس گام را فراتر می‌برد و معتقد است: «مسئله اما اینجاست: هیچ سازوکار رسمی‌ای برای ارزیابی صلاحیت روانی برای رانندگی وجود ندارد. روان‌پزشکان اغلب خود را فاقد ابزار لازم برای قضاوت درباره توانمندی رانندگی می‌دانند. توصیه‌هایشان معمولا به

دربور محاکمه قاتل الهه حسین‌نژاد به صورت غیرعلنی برگزار شد. قاتل معتقد بود کاری که نباید بشود، شده و او را جادو کرده‌اند. این مرد قاتل که پس از ۱۰ روز پیگیری مردم و پلیس پیدا شد، دارای سابقه کفیری بوده، آن‌هم درحالی که راننده تاکسی اینترنتی بوده است. وجود او و قتلی که انجام داد، سبب شد برخی کاستی‌هایی که وجود دارد عیان شود؛ مثلا اینکه چرا تاکسی اینترنتی در ابتدا همکاری‌اش را مخفی کرد؟ یا چرا در حالی که نیروی انتظامی مسئول رصد سابقه افراد است، این فرد با وجود حکم، مشکلی برای ادامه همکاری نداشته است؟
مطالبات زیادی هم مطرح شد؛ فردی که سابقه ضرب‌وشتم و خشونت خانگی با همسر و فرزندانش را داشته، چرا این‌قدر ایمن است؟ چرا پلیس سالانه با شش ماه یک بار سابقه افراد را رد نمی‌کنند؟ در این میان، اطمینان از سلامت روان در مشاغلی همچون رانندگی جزء مطالبات بود.

اتفاق مهم برای دریافت گواهی رانندگی

اعلام شده است هیئت وزیران آیین‌نامه صدور انواع گواهینامه‌های رانندگی را تغییر داده‌اند و شرط جدیدی به آن اضافه کرده‌اند. این شرط جدید ارائه گواهی سلامت روان است که به عنوان یکی از شروط اصلی دریافت گواهینامه رانندگی در کشور الزامی است. طبق ماده ۳ این آیین‌نامه، متقاضیان گواهینامه باید علاوه بر معاینات جسمی و بینایی سنجی، گواهی سلامت روانی خود را از مراکز پزشکی صلاحیت‌دار که مورد تأیید وزارت بهداشت و سازمان پزشکی قانونی هستند، دریافت و ارائه کنند. این الزام شامل تمامی انواع گواهینامه‌ها از جمله پایه سوم، ویژه، موتورسیکلت و... می‌شود. در ماده ۴ از پیوست ۲ آیین‌نامه، به‌صراحت به ارزیابی اختلالات روحی و روانی (اختلالات اعصاب و روان) به عنوان یکی از معیارهای مهم احراز سلامت جسمانی و روانی رانندگان اشاره شده است. این ارزیابی‌ها باید براساس دستورالعمل‌های اجرایی وزارت بهداشت و با هماهنگی نیروی انتظامی انجام شود.

امنیت در خیابان و جاده

هرچند در گفت‌وگوی خبرگزاری مهر با یک افسر نیروی انتظامی، ابراز



دریاچه فاضلاب و پساب صنعتی ایجادشده در پی فعالیت‌های شهرک صنعتی خیام در شهر «اسحاق آباد» شهرستان «زبرخان» استان خراسان رضوی پس از حدود ۱۲ سال بی‌توجهی، به یک بحران و فاجعه زیست‌محیطی در منطقه تبدیل شده است. آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی منطقه منجر به تخریب اکوسیستم‌های آبی و خشکی، کاهش کیفیت خاک، کاهش تنوع زیستی و افزایش فرسایش خاک شده است. عکس: مرتضی امین‌الرعایایی، ایسا

سپس در رسانه‌های رسمی بازتاب یافته‌اند. تصویب و اجرای این لایحه، عملا از بروز چنین گزارش‌هایی جلوگیری خواهد کرد.
بخش‌هایی از لایحه نیز به‌وضوح با اصول حقوق کیفری و قانون اساسی در تعارض‌اند. مثلا جرم‌انگاری مجدد موضوع «گزارش خلاف واقع» تکراری از ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی است و افزوده‌ای بر قانون جرائم رایانه‌ای محسوب می‌شود. افزون بر آن، تبصره‌ای که مجازات بر پایه «بی‌احتیاطی» را مجاز می‌داند، آشکارا از مرز مسئولیت مدنی عبور کرده و وارد حیطه کیفری شده است؛ درحالی‌که عنصر «سوئیت مجرمانه» لازمه هر اقدام کیفری است. این بی‌دقتی‌ها یا بی‌اعتنایی‌ها در تدوین، اگر از ناآگاهی باشد، تاسف‌برانگیز است و اگر از عمد، خطرناک.

لایحه همچنین ساختار سانسور را از مسیر تازه‌ای فعال می‌کند. مواد ۵ و ۶ آن، تکالیف فنی مضاعفی برای سکوهای انتشار و وزارت ارشاد در نظر گرفته‌اند؛ از جمله الزام به راستی‌آزمایی محتوا و تعلیق محتوای مشکوک. این موارد تنها ته‌طریق فنی لازم را ندارند، بلکه از اساس مخاطره‌آمیز هستند؛ چراکه با چند تفسیر سلیقه‌ای، به ابزار مسودوسازی و مهار اطلاعات تبدیل می‌شوند. از آن بدتر، تصویب این لایحه در هیئت دولت، بدون اطلاع‌رسانی عمومی و با قید دوفوریتی، به‌گونه‌ای انجام شده که گویی دولت از انتقادهای اجتماعی گریزان بوده و ترجیح داده است پشت درهای بسته، تصمیمی در سطح ملی اتخاذ کند.

در چنین شرایطی، این‌نگرانی جدی وجود دارد که مجلس نه‌تنها مانعی در برابر تصویب کامل این لایحه نباشد، بلکه آن را سخت‌گیرانه‌تر نیز کند. تجربیات پیشین در بررسی طرح صیانت یا قوانین حوزه فضای مجازی، مؤید همین احتمال‌اند. به این ترتیب، دولتی که هنوز در زمینه بهبود وضعیت رسانه‌ها و تحقق وعده‌های پیشین در زمینه رفع فیلترینگ اقدام ملموسی نکرده، اکنون در جایگاه تدوین‌کننده سخت‌گیرانه‌ترین قانون ضد آزادی بیان سال‌های اخیر ایستاده است. اما هنوز فرصت جبران باقی است. اگر دولت اراده‌ای واقعی برای صیانت از آزادی بیان، شفافیت و مبارزه با فساد دارد، می‌تواند با اصلاح روند تصمیم‌گیری، اعتماد افکار عمومی را بازسازی کند. بازگشت از یک تصمیم نادرست، نشانه ضعف نیست، نشانه بلوغ و شجاعت در حکمرانی است.

***روزنامه‌نگار و عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران**

گزارش خوانی

وقتی مردم، اعضای یک خانواده می‌شوند

در میانه روزهایی که صدای آذیرها و اخبار جنگ سایه سنگینی بر شهرها انداخته بود، مردمی بی‌ادعا اما بزرگ صحنه‌هایی از مهربانی، همدلی و فدکاری آفریدند که فراتر از هر روایت رسمی نشان از عمق روح انسانی این سرزمین دارد.
ایرنا گزارشی با عنوان «این مردم نازنین» تهیه کرده است. مردمی که تنها تماشاگر بحران نبودند بلکه با دست‌های گشوده، خانه‌های باز و دل‌های روشن پایه‌های سرمایه اجتماعی را در تارک‌ترین لحظات تاریخ معاصر دوباره زنده کردند.
در روزهای پایانی جنگ ۱۲روزه، تهران صحنه‌ای بود از تلاش برای بازگشت به روال عادی، درحالی‌که صدای جنگ هنوز خاموش نشده بود. یکی از شهروندان تهرانی در گفت‌وگو با پژوهشگر ایرنا روایتی از یک روز در ترمینال جنوب پایتخت را بازگو می‌کند: جایی که خطوط باریک میان بحران و انسانیت به‌وضوح دیده می‌شد. او می‌گوید: «در روزهای پایانی جنگ ۱۲روزه تصمیم گرفتم تهران را به مقصد یکی از استان‌های جنوبی ترک کنم. وارد ترمینال که شدم، فضا عجیب بود. تعداد تاکسی‌های بین‌شهری به طور محسوسی زیاد شده بود. اتوبوس‌ها آماده حرکت بودند و همه چیز به‌ظاهر عادی به نظر می‌رسید اما در پس این نظم ظاهری، التهاب جنگ در نگاه مردم موج می‌زد. در ورودی ترمینال مشغول نوشیدن چای بودم که مردی با رنگ‌روزی پریده و ظاهری آشفته کنارم آمد و گفت: «می‌تونید برای من بلیت همدان بگیرید». یک لحظه احساس کردم چند روز است چیزی نخورده است. برایش چای و کیکی خریدم، ساندویچ و آب معدنی هم در پلاستیکی گذاشتم و به او دادم. با خودم به محوطه ترمینال بردش. از یکی از باجه‌ها قیمت بلیت همدان را پرسیدم و به اندازه همان مبلغ، پول نقد به او دادم. خانمی که این صحنه را دیده بود، او هم صد هزار تومان به آن مرد داد.»

این روایت تنها نمونه‌ای از هزاران کنش انسان‌دوستانه‌ای است که در روزهای تاریک جنگ در سایه انفجارها و اخبار اضطراب‌آور میان مردم عادی جریان داشت. کمک‌هایی که گاه در قاب دوربین‌ها ثبت نمی‌شدند اما در قلب‌ها ماندگار شده‌اند؛ همدلی‌هایی که در کوچه و خیابان و چه در فضای مجازی، رنگی از امید به این روزهای تلخ می‌زدند.

یکی از صحنه‌های تأثیرگذار و به‌یادماندنی در بستر فضای مجازی که در روزهای بحران جنگی ویرال شد، فیلم کوتاهی بود که در آن مردی به همراه دخترش در صف پمپ بنزین به مردم شربت می‌دادند. این تصویر ساده اما عمیق نمادی روشن از همبستگی، مهربانی و روح مدنی شهروندی بود که در لحظات دشوار خود را به شکلی بی‌تکلف به نمایش گذاشته بود.

هم‌زمان جلوه‌های دیگری از همراهی و همیاری مردمی در کوچه و خیابان‌های شهر دیده می‌شد که بخشی از آن در قالب پیام‌های دست‌نویس یا اطلاعیه‌هایی روی شیشه مغازه‌ها، نانوالی‌ها و داروخانه‌ها نمود پیدا کرده بود. اطلاعیه‌هایی که گرچه ساده و کوتاه بودند اما حامل بار بزرگی از مسئولیت اجتماعی، نوع‌دوستی و درک متقابل از شرایط حساس زمانه بودند.

دراین‌میان انتشار گسترده اطلاعیه‌هایی از سوی مردم شهرهای گوناگون در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، گواهی بر گستره این روحیه مشارکت‌جویانه بود. در بسیاری از این پیام‌ها اعلام شده بود که خانواده‌ها یا گروه‌هایی امکان اسکان اضطراری دارند و حاضرند مکان‌های خود را اعم از خانه، اقامتگاه‌های شخصی و... در اختیار کسانی قرار دهند که بر اثر شرایط بحرانی بی‌پناه یا نیازمند سرپناهی موقت شده‌اند.

این سطح از آمادگی برای کمک‌رسانی بدون سازمان‌دهی رسمی و همدلی انسانی یانگرسرطریق‌مدنی پنهان جامعه ایرانی در بحران‌هاست؛ ظرفیتی که اگر به‌درستی دیده و تقویت شود، می‌تواند در مسیر توسعه سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری ملی نقشی کلیدی ایفا کند.

تقویت رسانه‌های مسئول، توسعه گفت‌وگوهای فراگیر، پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های فرهنگی و سیاسی و تکیه بر نقاط مشترک ملی از الزامات حفظ این همبستگی است. دولت و جامعه مدنی باید با بازخوانی و مستندسازی لحظات درخشان اتحاد مردمی، الگوهای بومی همیاری را به رسمیت شناخته و از آنها در سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی بهره ببرند. تنها در سایه استمرار همدلی و پرهیز از تفرقه است که می‌توان سرمایه اجتماعی خلق‌شده در دل بحران را به منبعی پایدار برای تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌های آینده تبدیل کرد.



در این بیانیه از دولت‌ها خواسته شده است: «تمام گذرگاه‌های زمینی به غزه را باز کنند؛ جریان کامل غذا، آب، دارو، سوخت و اقلام بهداشتی را از طریق سازوکاری اصول‌محور و به رهبری سازمان ملل از سر بگیرند، محاصره فورا پایان یابد و آتش‌بس فوری و پایدار برقرار شود». سازمان ملل متحد اعلام کرده از ابتدای جنگ تاکنون، بیش از هزار فلسطینی هنگام جست‌وجوی غذا جان باخته‌اند و هزاران نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که فقط به طور متوسط ۱۹ کامیون در روز وارد غزه می‌شود که برای جمعیتی بیش از دو میلیون نفر به‌شدت ناکافی است. سازمان جهانی غذا اعلام کرده شرایط کنونی امکان ادامه فعالیت امدادی را از بین برده است. بیماری‌هایی همچون اسهال شدید، سوءتغذیه حاد به‌ویژه در کودکان و سالمندان و فروپاشی روانی و جسمی در میان جمعیت گسترده شده است. کودکان در شرایطی غیرقابل تصور رشد می‌کنند، یکی از مددکاران اجتماعی نقل کرده است: «کودکان به والدین‌شان می‌گویند می‌خواهند به بهشت بروند، چون آنجا غذا هست». درحالی‌که انبارهایی پر از مواد غذایی، آب، دارو و سوخت در داخل و اطراف غزه وجود دارد، امدادگران از دسترسی به این منابع محروم مانده‌اند. وعده‌های دولت‌ها برای بهبود وضعیت بدون تغییر واقعی در میدان، بی‌ثمر مانده است. امضاکنندگان این بیانیه هشدار داده‌اند ادامه شرایط فعلی به معنای مرگ تدریجی هزاران انسان خواهد بود. آنها خواستار اقدام فوری، توقف ارسال سلاح، رفع محدودیت‌ها و بازگشت به یک نظام امدادرسانی بی‌طرف، اصول‌محور و تحت نظارت سازمان ملل شده‌اند.